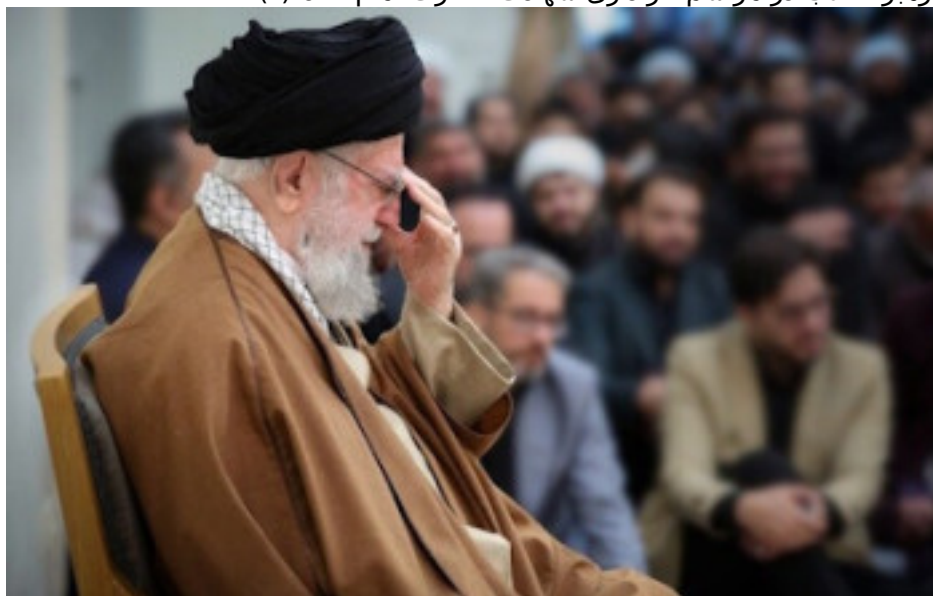


وقتی امام حسن مجتبیٰ صلح کردند با معاویه یک عده‌ای می‌آمدند گله میکردند و اعتراض میکردند. حضرت میفرمودند که این تا یک وقتی است، این موقت است یعنی در کلمات ایشان اشاره شده این حادثه، این تسلط کفر و نفاق بنا نیست دائمی باشد.

رهبر انقلاب در مراسم عزاداری شهادت حضرت امام صادق(ع):



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم عزاداری شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام تاکید کردند:

خط ائمه خط ایستادگی و استقامت است و درس ائمه درس منطق و استدلال به شمار می‌رود.

به گزارش اسپادانا خبر، در گزیده بیانات رهبر انقلاب در پایان این مجلس آمده است:

در زمان امام صادق (علیه الصلاة والسلام) در تقدیر الهی - و نه در قضای محتوم الهی - بنا بوده یک تحویلی اتفاق بیفتد به نفع ائمه هدی (علیهم السلام). این را در روایات متعددی که وارد شده، انسان میفهمد. یک روایت از حضرت صادق (علیه السلام) است که میفرماید که «إِنَّ إِيَّاهُ قَدَّرَ هَذَا الْأَمْرَ فِي سِتَّةِ سَبْعِينَ». (۱) خدای متعال این امر را، یعنی امر امامت را - امامت به معنای واقعی را - در تقدیر خودش برای سال ۷۰ هجری گذاشته بود.

ببینید؛ وقتی که امام حسن مجتبیٰ صلح کردند با معاویه، یک عده‌ای می‌آمدند گله میکردند و اعتراض میکردند. حضرت میفرمودند که: «ما تَدْرِي لَعَلَّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ!»؛ این تا یک وقتی است، این موقت است. یعنی در کلمات امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) اشاره شده به اینکه این حادثه، این تسلط کفر و نفاق، بنا نیست دائمی باشد؛ در تقدیر الهی این موقت است. تا کی؟ تا سال ۷۰. یعنی طبق همین روایت، سال ۷۰ هجری بنا است هر کس از اهل بیت در قید حیات است، قیام کند و حکومت را به دست بگیرد، و امامت واقعی تحقق پیدا کند. بعد حضرت میفرمایند: قَلَمًا قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشْتِدَّ عَضْبُ إِيَّاهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ قَاتِرَةٌ إِلَى مِئَةٍ وَ أَرْبَعِينَ؛ یعنی حادثه‌ی کربلا، این بی‌اعتنائی مردم به میانی دینی، این اعراض آنها، اثرش این بود که این تقدیر الهی عقب افتاد تا سال ۱۴۰. ۱۴۰. زمان امام صادق (علیه السلام) است دیگر، که حضرت [سال] ۱۴۸ از دنیا رفتند. این را شیعه میدانستند. یعنی خواص شیعه میدانستند. لذا مثلاً در یک روایتی دارد که زراره به اصحابش - زراره که خب جزو نزدیکان است - میگوید لا تری علی أعوادها [لا جعفرًا]؛ (۲) اعواد، [یعنی] پایه‌های منبر، منبر خلافت؛ یعنی من جعفر را دارم مبینم که روی این منبر خواهد نشست. این [جور] است.

یا در یک روایت دیگر باز همین زراره - چون زراره ساکن کوفه بود - پیغام میدهد به حضرت صادق (علیه السلام) و عرض میکند که یکی از دوستان ما از شیعیان مقروض شده و طلبکارها دنبالش هستند. او هم برای اینکه پول ندارد، گذاشته از شهر رفته، آواره شده. اگر این قضیه، یعنی قضیه خلافت، تا همین یکی دو سال بنا است انجام بگیرد - در روایت، هذا الأمر در؛ [یعنی] اگر این قضیه بنا است همین یکی دو سال انجام بگیرد - خب این [شخص] باشد تا شما بیایی سر کار، و قضایا حل میشود؛ اما اگر طولانی است، رفقا پول جمع کنند و قرض او را بدهند. (۳) یعنی کسی مثل زراره منتظر بوده که در همین یکی دو ساله مسئله تمام بشود. اینکه شما می‌بینید می‌آیند خدمت حضرت صادق و مدام میگویند آقا، چرا قیام نمیکنید، [چرا] قیام نمیکنید، ناشی از این است که منتظرند؛ [یعنی] یک چیزی شنفته‌اند، یک مطلبی به گوششان رسیده.

بعد دنباله‌ی همان روایت که [سال] ۱۴۰ را معین فرمود، فرمود: شما افشا کردید، خدا عقب انداخت. یعنی اگر شیعیان دهنشان

قرص بود و افشا نمی‌کردند، شاید همان وقت قضیه تمام می‌شد؛ و شما ببینید تاریخ چقدر تغییر پیدا می‌کرد! اصلاً مسیر بشر یک مسیر دیگری می‌شد و امروز دنیا، دنیای دیگری بود. یعنی کوتاهی‌های ما، یک جا دهن‌لقی‌مان، یک جا کمک نکردنمان، یک جا اعتراض کردن بیخودی‌مان، یک جا صبر نکردنمان، یک جا تحلیل غلطی که از اوضاع می‌کنیم، گاهی تأثیر می‌گذارد – [آن هم] تأثیرات تاریخی – یعنی این جور مسیر را عوض می‌کند؛ لذا خیلی باید مراقبت کرد.

و البته زندگی امام صادق (علیه السلام) زندگی فوق‌العاده‌ای است، زندگی عجیبی است، زندگی موقفی است از لحاظ اشاعه‌ی احکام الهی و روایات فراوانی که از آن بزرگوار و اصحاب ایشان داریم. البته این چهار هزار شاگردی که [برای حضرت] نقل می‌شود، شنونده خیال می‌کند که حضرت یک درسی شروع می‌کردند، چهار هزار نفر آنجا می‌نشستند؛ این [جور] نیست. در طول عمر این بزرگوار چهار هزار نفر از ایشان روایت کرده‌اند – آن‌طور که حالا در آن کتاب هست – ایشان چهار هزار نفر راوی دارند؛ چهار هزار شاگرد به این معنا است؛ نه اینکه حالا چهار هزار نفر می‌نشستند پای درس ایشان و ایشان درس میدادند.

و ماها دوریم از زندگی ائمه؛ اطلاعاتمان کم است، هم از کلماتشان، هم از بیاناتشان، روایاتشان، و حالات زندگی‌شان.

این قضایایی هم که در روایات ما است و نقل می‌شود که ایشان را بردند پیش منصور و منصور به ایشان شدت خشم نشان داد، ایشان هم گفتند که «یا بن‌عم! بزرگان، پیغمبران مظلوم واقع شدند، آنها بخشیدند، تو هم ما را ببخش»، اینها را بنده به طور قاطع می‌گویم دروغ است؛ به طور قاطع اینها واقعیت ندارد. امام با هیچ کس این‌جوری حرف نمی‌زند؛ چه آن وقتی که خطر کشته شدن باشد، چه خطر کشته شدن نباشد؛ هر چه؛ امام اصلاً این‌جوری حرف نمی‌زند. راوی [این حرف] کیست؟ ربیع؛ راوی‌اش ربیع خادم است! ربیع، خادم منصور است، یعنی همه‌کاره‌ی منصور است؛ یک فرد درباری دروغگوی مثلاً این‌جوری. این [شخص] آمده نقل کرده که امام صادق این‌جوری گفت. خب این برای از بین بردن روحیه‌ی شیعه ابزار خوبی است دیگر؛ لذا از نقل اینها مطلقاً باید اجتناب کرد. بعضی‌ها بی‌خودی نقل می‌کنند، در حالی که این روایات، روایات درستی نیست. ائمه درس استقامت و درس ایستادگی و درس منطق [میدادند]؛ و در سخن گفتن با منطق، استدلال، طرف را گیر انداختن.

شما ببینید حضرت زینب در مجلس این‌زبان، در مجلس یزید چه جوری حرف می‌زند! آن درست است؛ آن خط، خط درست ائمه است. هر کسی ایستادگی کند در خط این بزرگواران دارد حرکت می‌کند. امروز هم اینهایی که در غزه، در لبنان دارند ایستادگی می‌کنند، اینها در واقع در خط همین ائمه‌ی دین، ائمه‌ی هدی دارند کار می‌کنند.

(۱) کافی، ج ۱، ص ۳۶۸ (با اندکی تفاوت)

(۲) رجال کشی، ص ۱۵۶

(۳) رجال کشی، ص ۱۵۷

برجسب ها: رهبر انقلاب [1]

تاریخ [2]

فرهنگ [3]

خاورمیانه [4]